

درباب سرقت پست

به عرض رفته بود چون دوسه روز برای تحقیق خفید بوده بعد از دو مرتبه استنطاق و رسیدن پست از پستخانه شاهرود، چهار بسته وجه طلا از سفارت روس به عنوان قونسولگری فرستاده شده، سوای دو بسته امانت که مال تجار تخمیناً سه هزار تومان می شود، بعد از استنطاق در کارگذاری غلام پست را با پسرش گرفته حبس کردند. تا چه اقتضا کند.

درباب آمدن تراکمه جعفر بانی بر قریه آزادمحله يك فرسخی غربی

خبر رسید شب ۱۶ ماه جولای سیصد سوار ترکمان به سر قریه آمده اهل قریه باخبر شده نزاع سختی [کرده] تراکمه دو خانه آتش زده، دونفر ترکمان به قتل رسیده رفتند.

درباب قتل دونفر ترکمان بش اوسقه در کردمحله

ایضاً اهالی کردمحله برای تراکمه بش اوسقه ۴۴ پیغام داده زیر حد قریه آمده ملاقات نمایند. سدفتر ترکمان آمده، قضای اتفاقی ترکمانها قاتل يك نفر مقتول کردمحله بوده، بعد از صحبت زیاد اشخاص کردمحله حمله ور شده دونفر ترکمان را تیرزده کشتند. يك نفر فرار کرده، به او به خبر می دهد. روز هجدهم جولای برای تقاص ترکمانها سوار شده به سر قریه کردمحله بروند. اهالی قریه قبل از وقت بسخو و تهیه داشته به قرب چهار ساعت نزاع کرده، چهار نفر ترکمان مقتول، دونفر هم تیر گرفته برگشتند.

درباب ریختن نطف درب خانه اعضای انجمن و سنگ انداختن

شب نوزدهم ماه جولای به تحریک آقاصادق پسر حاج سیدطاهر که ضد اعضای انجمن بوده، سه عدد آفتابه و لوله ن ۴۵ درب خانه شیخ اسمعیل قاضی آویزان می نمایند و خانه رمضانعلی برادرش که رئیس انجمن تجار بوده نطف می ریزند. به قرب بیست خانه اطراف و جوانب خانه حاج شیخ حسین رئیس را هم سنگ می ریزند. تا چه شود.

درباب نزاع داروغه با پسر اسمعیل کدخدای شب بیستم جولای

ایضاً به واسطه ریختن نطف به خانه رمضانعلی نام تجار ساکن محله درب نو، در این باب مجلس نموده که مرتکب کیست؟ افوا [ها] گفته شد که پسر زن اسمعیل کدخدا بوده، آقا محمود که داروغه بازار است چند نفر آدم همراه برداشته شب بیستم پسر زن اسمعیل را چوب می زنند. روز مذکور داروغه از دهنه عباسعلی رد می شود. چند نفر میدانی او را چوب مفصلی زده، فراراً خود را به خانه حاج سیدطاهر رسانیدند. آقامیرزا محمد مهدی پسر حاجی آقا آمده الواطها را متفرق نمودند.

۴۴ - بش یوسقه (فرهنگ آبادیهای ایران).

۴۵ - لولهنگ.

تلگراف و ثوق السلطنه لشکر نویس به امیر بهادر جنگ - ۲۲ ماه جولای
 بعد از تبریک، لشکر نویس استرآباد تلگرافاً از امیر بهادر که امیر جنگ و سپهسالار خطاب می نمایند اجازه خواسته به خراسان عنوان زیارت بروند. جواب دادند در این موقع قشون ساخلوئی برای سرحد استرآباد نیست. رفتن شما مقتضی نمی باشد. خبر نموده همین دو سه روزه حکومت برای استرآباد معین خواهد شد - امضاء امیر جنگ.

قتل يك نفر رهگذر در جنگل كردمحله چهار فرسخی مغربی
 ایضاً خبر رسید يك نفر سوار صمصام لشکر به رفاقت دو نفر ترکمان جعفر بائی يك نفر آدم را در جنگل كردمحله به قتل رسانیده پنجاه تومان وجه بایک رأس مال اورا بردند.

کشتن ترکمان ایلغی را زیر حد قریه سرخانکلاه
 سه نفر ترکمان ایلغی به سرخانکلاه رفته شب را به خانه حاج رحیم خان بوده. صبح يك نفر از آنها جلو می رود. زیر حد قریه نوده آقانظام الدین چند نفر پیاده ولایتی بسخو داشته ترکمان مذکور را تفنگ زده کشتند. صد تومان وجه همراه داشته بردند.

نمره ۲۴

سفارت و رشت

درباب رفتن تلگرافچیها به سمت طهران
 به عرض رفته بود تلگرافچی گنبد قابوس و اجزاء شهر از دست شاهزاده ابوالفتح خان شاکی شده در قونسولگری متحصن شده اند. با این که حکم از طرف مخبر الدوله شده هر يك به مأموریت خود بروند، ایشان گوش نکرده حقوق عقب افتاده خود را گرفته به اسم رفتن گنبد و رامیان از راه قزلق به سمت طهران حرکت کرده تعدیات نواب مذکور را عرضه بدارند. تاچه اقتضا کند.

درباب معزولی رئیس گمرکخانه بندر، مسیو خلفی
 ۲۵ ماه جولای خبر رسید مسیو خلفی رئیس سابق اسباب شخصی خود را به انضمام سدهزار تومان مال التجاره که در گمرکخانه توقیف بوده حراج ۴۶ می نماید. مسیو دوهم از مشهد به ریاست گمرکخانه آمده، مسیو خلفی عزیمت به خاک بلجیک نمودند.

درباب آمدن نایب قونسولگری به شهر
 ۲۷ ماه مذکور معظم الیه با دو غلام در شهر آمده به طور سخت مطالبه وجه مسروقه

را از کارگذار می‌نماید. دوشب توقف کرده و صورت استنطاق را به طهران فرستاده، مراجعت به بیلاق نمودند.

درباب حکومت حاج ظهیرالدوله - ورود به مازندران

روز ۲۸ ماه جولای خبر رسید خوانین و سرکرده‌های مازندران برای استقبال حاج ظهیرالدوله حکمران مازندران حرکت به سمت بارفروش نمودند.

درباب بیرون کردن اهالی شاهرود حکومت خود را

۲۹ ماه جولای خبر رسید اهالی شاهرود بلوا کرده، محمدباقرخان سالاراکرم را از آنجا بیرون نمودند، به افتضاح زیاد به کفشگیری آمدند.

درباب اسیر کردن يك نفر رعیت سعدآبادی را جعفربائی

سیام ماه جولای خبر رسید شانزده نفر پیاده ترکمان جعفربائی در جنگل کلو يك فرسخی مغربی بسخو داشته يك نفر رعیت سعدآبادی را با دوماال گرفته بردند.

احضار مشیرالسلطنه، ساعدلشکر و حاج رحیمخان را به تلگرافخانه

روز مزبور وزیر داخله خوانین مزبور را در تلگرافخانه احضار کرده سفارش زیادی برای سرحدی استرآباد به ایشان نمودند.

درباب معزولی نواب ابوالفتحخان

ایضاً نواب ابوالفتحخان از تلگرافخانه استرآباد معزول شده، محمدمهدیخان نویدالممالک رئیس بندر به‌اموریت استرآباد وارد شده مشغول مخابره می‌باشد.

درباب آمدن نوابوالا عینالدوله در بندرجز

سیویکم ماه جولای حاج شیخ حسین رئیس انجمن اظهار داشت که عینالدوله برای رفتن آذربایجان وارد بندرجز گردیده از شنیدن خبرهای وحشت‌انگیز آنجا در بندر توقف داشته تا استمزاجی از دولت برای رفتن آذربایجان حاصل نماید.

نمره ۲۵

درباب رفتن سوارهای ترکمان به حمایت قرقچی‌ها در خجق ۲۷

سنه ماضی به عرض رسانیده بود که طایفه قرقچی در محالات فندرسک دچار طائفه

خجق شده چند نفر مقتول و متجاوز از بیست اسب با چند قبضه تفنگ آنها را گرفته‌اند. تا کونین برای این مسئله زد و خورد داشتند. نا آنکه طائفه جعفر بائی و آتابائی و ایلغی و داز بدقرب دوهزار و پانصد سوار بداتفاق طائفه قرقچی جمع شده، بالاسر طائفه خجق شمالی قرنکه امام ۲۸ اردو انداخته مطالبه اسب و تفنگ را نمودند. طائفه خجق از ترس بدعهده گرفته سه‌روزه دوازده اسب با چند قبضه تفنگ طائفه قرقچی را مسترد نمایند.

درباب معین شدن حکومت استرآباد و شلیک توپ

ایضاً مشیر السلطنه به‌خوانین و صاحب‌منصبان استرآباد تلگراف نمودند حسب‌الامر اعلیحضرت همایونی میرزا محمدخان سردار منجم بدحکومت استرآباد برقرار گردید. به‌همین زودی بدآن صوب خواهند آمد و تمام خوانین استرآباد و غیره تلگراف تبریک گفتند. پنج تیر شلیک توپ شد.

آمدن سه‌نفر پیاده قزاق برای حفاظت بانك استقراضی روس

در بندر جز و احضار آنها

پالکنیک سه‌نفر قزاق برای محافظت بانك روسها در بندر فرستاده بودند. يك روز قزاقها مست شده توی بندر فحاشی نسبت به مشروطه‌طلبان و طائفه بایبه می‌نمایند. اهل بندر سه‌نفر قزاق را چوب مفصلی زده، رئیس گمرکخانه شکایت از قزاقها کرده فوراً احضار به‌طهران شده رفتند.

درباب نزاع جلال‌الدوله با علاء‌الدوله در مشهد

ایضاً خبر رسید حضرات روزی که می‌خواستند از بندر مشهد روانه به‌سمت روسیه بشوند جلال‌الدوله فحش زیادی بد علاء‌الدوله می‌دهد. زمان رفتن در پراخوت حاج ظهیرالدوله بین ایشان را التیام داده رفتند.

درباب رفتن عین‌الدوله

ایضاً خبر رسید نواب‌والا عین‌الدوله از بندر حرکت و به‌سمت آذربایجان رفتند.

درباب کشته شدن رعیت آهنگر محله، دوفرسخی شرقی

دویم ماه اگست خبر رسید چند نفر رعیت قریه آهنگر محله شنیدند که تراکمه ایلغی به‌سمت گرمابدشت رفته دستبرد می‌برند. سر راه تراکمه رفته بسخو کردند. ترکمانها توی جنگل دونفر جلینی را اسیر کرده برمی‌گردند. طرفین باهم روبرو شده ترکمانها يك نفر آهنگر محله [ای] را تیر زده، ایشان هم يك نفر ترکمان را تیر زده، دونفر مقتول شده، يك نفر فرار کرده، يك نفر دیگر را بردند.

گرو کردن اهالی سعدآبادی يك نفر تراکمه آتابائی را توی بازار

روز سیم ماه مذکور اهالی قریه سعدآباد نیم فرسخی مغربی در عوض يك نفر اسیری که از حایند جعفریائی با دو مال برده بودند يك نفر ترکمان طایفه آتابائی را توی بازار گرو کرده می برند.

درباب کشتن دونفر رعیت قلعه را يك فرسخی این شمل و مغرب تیر گرفتن ملک اکبر کدخدا

عروس حاج محمدخان برای ملک اکبر کدخدا پیغام داده چندبار برنج آذوقه ببرد، چون قریه مذکور را دولت تیول حاج محمدخان قرار داده است. لهذا ملک اکبر با پنج نفر رعیت برنج و خربزه و هندوانه بار کرده برای عروس حاج محمدخان می برند. طائفه اریخ به لجاجت طائفه حاج محمد تیر شده رفته بسخو می نمایند. رعایای قلعه زمان مراجعت دونفر بدست آتابائی و چهار نفر بدست ده رفته که يك مرتبه شلیک تفنگ می شود. دونفر رعیت پای تیر افتاده. ملک اکبر هم تیر گرفته و نمرده است.

درباب نزاع تراکمه گموش تپه برای گمرکچی و قتل دونفر آنها

پنجم ماه اگست خیر رسید میرزا علی خان گمرکچی گموش تپه از خانه ملا خان پسر ملا دوندر مشهور که حالیه مواظبت گمرک با آنها می باشد بیرون آمده گردش می کند. حاج الش در این راه وجه جریمه ای که به سپهدار داده بود و از گمرک او ر معزول کرده بودند گمرکچی را گرفته درخانه خود زنجیر می زند. چون در طایفه ترکمان رسم است هرآینه کسی خون کرده باشد به خانه يك نفر ترکمان پناه ببرد صاحب خانه خودش را به کشتن می دهد و آن شخص را به دست ندهد. در صورتی که میرزا علی خان گمرکچی منزلش خانه ملا خن است که از خونین و صاحب ایل و قبیله از حرکت حج الش مخبر شده ملا خان و کسانش با تفنگ می روند. حاجی الش را بردند. گفته شد از طرف حاج الش يك نفر برادر ملا خان ر به قتل رسانیده و گمرکچی مزبور را گرفته برگشتند.

نمره ۴۶

به طهران ۱۹۰۸

درباب تلگراف محمدعلی شاه

هشتم ماه اگست اعلیحضرت محمدعلی شاه تلگرافاً به عموم سرکرده های استرآبادی و حاجی سید طاهر و آقاشیخ عبدالصمد و حاجی شیخ حسین احوال پرسی نموده سفارش سرحد را تا ورود سردار مفخم نمودند.

درباب تلگراف به سردارمفخم

دهم ماه مذکور سردارمفخم به علی محمدخان حاکم کتول تلگراف نموده که عاجلاً به شهر آمده رسیدگی استرآباد و سرحدی آنجا تا ورود این جانب با شما است. البته کمال مواظبت و مراقبت را داشته انشاءالله به همین زودی حرکت خواهم کرد. چون مدتی است بی سیم خط گنبد قابوس بدهم خورده لهذا تلگراف سردارمفخم را غلام تلگرافخانه به کتول برده مشارالیه جواب دادند که ده روز دیگر آقاخان سرتیپ پسر من عازم خراسان است بعد از حرکت ایشان به استرآباد خواهم آمد. تاچه اقتضا کند.

درباب رفتن ابوالفتح خان

ایضاً روز دوازدهم نواب ابوالفتح خان رئیس تلگرافخانه برای فوت برادرش از راه شاهرود حرکت به سمت طهران نمودند.

درباب توپچیهای مأمور استرآباد

سپهدار مراجعت از اردو در فندرسک به واسطه شرارت توپچیها که مطالبه حقوق خودشان را کرده بودند تماماً را بیرون نموده بسطام رفته بودند. توپچیها دو روز است مراجعت کرده اند لکن محمدحسین خان امیر پنجه به واسطه قرابتی که با حاج عبدالصمدخان مقصودلوی کمره است بیست نفر توپچی جدید اطریشی بد اسم حبیب الله خان پسر حاج عبدالصمدخان از سرخانکلاه گرفته ضمیمه نموده است.

درباب قتل يك نفر مکاری شهری

پانزدهم ماه اگست خبر رسید سه نفر مکاری استرآبادی برنج حمل به سمت بندر جز کرده. هجده نفر ترکمان جعفربائی از راه ملاکیله آمده در خرابه شهر بسخو داشتند. يك نفر مکاری علی نام را تیرزده دو نفر دیگر فراراً به کردمحله رفته خبر دادند فوراً پیاده کردمحله دهنه ملاکیله رفته از تراکمه مذکور جلوگیری می نمایند که ترکمانها به او به خود می رسند. بقرب دو ساعت نزاع سختی مابین ایشان شده، يك نفر از تراکمه به قتل رسیده، يك نفر رعیت کردمحله را تیر گرفته خوب می شود. نعش ترکمان را با تفنگ و سه بار برنج مکاریها گرفته برگشتند. از قرار مذکور سی تومان از ترکمانها گرفته نعش را مسترد نمودند.

درباب ازدحام محله میدان تا گذر سرپیر برای ترکمان

در فقره سعدآبادی که تراکمه جعفربائی برده و سعدآبادیها ترکمان را گرو کرده بودند به عرض رفته بود، توسط حاج میرزا بابا تاجر محلله میدان اسیر سعدآبادی را تراکمه فرستاده ترکمان بدل او ررها کرده با چند نفر دیگر نوزدهم اگست به صحرامی روند. اهالی گذر سرپیر در این راه پنج نفر علف کشی که حاج الش برده تا به حال گرفتارند، چند نفر جمع شده بیرون دروازه فوجرد تمام ترکمان را که سعدآبادی گرو داشتند

دوباره گرو می‌نمایند. میرهادی پسر حاج‌سیدطاهر آمده، ترکمان را خلاص نماید اهالی گذر سرپیر ترکمان را فداده جواب کردند. مشارالیه مراجعت به محله میدان می‌گوید بروید زنهای سرپیری را از قول چشمه که شرقی شهر توی رودخانه خوجه‌خضر است گرو نمائید. این‌خبر به گوش اهالی سرپیر رسید، به قرب دویست [نفر] با تفنگ از محله سرپیر و سرچشمه به سمت میدان می‌روند که تقاص نمایند. چند نفر زن و مرد سرپیری که قول چشمه بودند الواطهای میدان رفته يك نفر را بسته با عیالش بردند. از ازدحام سرپیری خبردار شده برگشتند. هرآینه چند نفر مصالح در گذر میدان نبود نزاع طرفین به قرب دویست نفر قتل وارد می‌شد، اگرچه بازهم آسوده نخواهند بود. هرگذری دو فرقه، سه فرقه شده‌اند. تاچه اقتضا کند.

نمره ۲۷

طهران و رشت

درباب قتل يك نفر بچه در محله سرپیر

روز بیست دویم اگست مقارن غروب سه نفر بچه بازی می‌کردند. پسر کربلائی حسین حمامی که قدری بزرگتر بوده تفنگ در دست داشت - گوشه حمام تکیه داده سرحمام می‌رود. دو نفر دیگر صغیر هم بودند. يك نفر زد يك تفنگ قبضه می‌کرد به طرف بچه دیگر که با هم پسر عموزاده بودند دراز کرد. تفنگ آتش خورد، بچه به زمین می‌خورد. به فاصله هشت ساعت فوت شده و حالیه آقا شیخ محمد جنگ دارد با ورثه مقتول، به صد تومان اصلاح نبوده خون بست شود. تا چه اقتضا کند.

درباب سرقت اسب از مریم آباد نیم فرسخی شرقی

شب بیست و چهارم ماه مذکور خبر رسید دزد طایفه آتابائی به قریه مریم آباد رفته دو رأس اسب آقا محمدتقی کلانتر را به سرقت بردند.

درباب گرو کردن ترکمان

به عرض رفته بود که اهالی سرپیر ترکمان جعفر بائی را در عوض پنج نفر اسیر و گرو نموده‌اند. حاج شیخ حسین و آقا شیخ محمد باقر به عهده گرفته اسیر ترکمان را توسط دو نفر ترکمان آتابائی فرستاده و صد تومان هم پول درست کرده پنج نفر اسیر را بیاورند. بعد از بردن اسیر ترکمان در صورتی که وجه را هم تجار استرآباد به عهده گرفته بودند کسان حاج الش اسرا را نداده جواب کردند. تاچه اقتضا کند.

درباب تلگراف وزیر داخله

بیست ششم ماه اگست مشیرالسلطنه تلگراف سختی به علی محمدخان حاکم کتول نمود.

بر حسب حکم تلگرافی که از طرف امیر مکرّم به شما شده است هر آینه عاجلاً به استرآباد نروید البته مسئول خواهید بود. از این تلگراف می نمایاند که لقب امیر مکرّمی به سردار مفخم داده اند.

درباب سرقت مال از فوجرد

ایضاً خبر رسید طائفه اتابائی يك رأس اسب غلام فوجردی را سرقت کرده بودند. به فاصله دو روز دوازده تومان تراکمه گرفته مسترد نمودند.

درباب تعمیر بی سیم خط راه قزلق ۴۹ پنج فرسخی شرقی

مدتی است که سیم خط راه قزلق تعمیر شده مطالب را تلگرافچیها به صعوبت می گیرند. چون سابقاً بشیر خاقان دویست اصله چوب کاج در شاهکوه گرفته بودند، لهذا به توسط حاج شیخ حسین و قشون لشکر نویس استرآباد قرارداد کلاتر شاهکوه دویست اصله چوب را به استرآباد روانه نموده کرایه مال را نوید الممالک رئیس تلگرافخانه مجاناً از خود بدهند و حالیه دوروز است که از شهر بنای تعمیر سیم خط راه قزلق را گرفته و مشغولند.

نمره ۲۸۵

طهران و رشت

درباب لخت کردن يك نفر ترکمان آتابائی را

سلخ ماه اگست يك نفر ترکمان طائفه اتابائی در شهر سودا کرده به صحرا می رفت. يك فرسخی شمالی رعیت قریه اوجابن او را لخت کرده مال و اسباب ترکمان را بردند.

درباب ورود مفاخر الملك نایب الحکومه

دویم ماه سپتمبر مقارن غروب معظم الیه وارد گردیده اشخاصی که سابق اهل انجمن بودند و الواطها برای شرارت خود شبها گردش می کردند، شب ورود مفاخر به اجازه حاج شیخ حسین ازدحام زیادی به قرب سیصد نفر با تفنگ شب پای گردشی را... ۵۰ محله میدان که متعلق به حاج سید طاهر است گذارده، ساعت چهار منشی مفاخر الملك را با داروغه بازار گرفته نزد آقا شیخ محمد باقر برده بی احترامی نموده رها می نمایند.

پیغام مفاخر الملك جهت حاج شیخ حسین و آقا شیخ محمد باقر

سیم ماه مذکور معظم الیه پیغامی به جهت حاج شیخ حسین و شیخ محمد باقر فرستاده

۴۹ - قوزلق هم در بعضی مراجع نوشته شده.

۵۰ - يك کلمه ناخوانا.

هر آینه با دولت ترا عدا رید بگوئید، هر آینه با من منازعه دارید بگوئید، والا این ترتیبات را بکلی بدهم بزیند که اسباب کدورت حکومت شده برای خودتان توهین فراهم خواهید کرد. اگر باز هم کما فی السابق رفتار خواهید نمود من هم مراجعت به کتول خواهم کرد. شنوائی کرده دیگر شب را نمی گردند.

ورود سالاراکرم

چهارم ماه سپتمبر محمد باقرخان سالاراکرم با فوج هزارجریبی ابوابجمعی به مأموریت استرآباد وارد گردیده. سرباز هم متدرجاً می آیند. از قرار مذکور فوج مسعودالملک که جزو چهاردانگه می باشند با فوج دودانگه همین دو روز وارد می شوند.

تلگراف امیرمکرم به مفاخرالملک

ایضاً ماه مذکور سردارمنمخملق به امیرمکرمی تلگراف مفصلی به مفاخرالملک نمودند. بر حسب امر مبارک اعلیحضرت همایونی برای خدمات جنابعالی لقب سالارمعززی به جهت شما و لقب مفاخرالملک برای آقاخان سرتیپ پسر شما گرفته فرامین را صادر نموده این دو روزه عروسی نورچشمی اعظام الدوله به سمت لاریجان حرکت خواهد کرد و انتظام امورات سرحدی را انشاءالله در کمال مواظبت همراهی نمائید تا ورود این جانب به عمل آورده قرین تشکر خواهی نمود و راپرت سرحدی را همه روزه بدهید به توسط قاصدین خواهد رسید. محمد لاریجانی.

درباب وجه مسروقه پست استرآباد

به عرض رفته بود که مکاریهای صمصام لشکر در حبس می باشند. ماه مذکور یک نفر از آن مکاریها در حین حبس فوت شد. لکن روز چهارم ماه سپتمبر به موجب تلگراف سخت که از وزارت خارجه برای وصول این وجه به کارگذاری آمده، مفاخرالملک و جمعی دیگر که در استنطاق بودند در کارگذاری حاضر شده بعد از ملاحظه تلگرافات مفاخرالملک نایب الحکومه قدری با میرزا ابوطالب خان رئیس پست تندی کرده قرار شد دو نفر حامل پست مشهدی غلامحسین با پسرش بوده باشد، رئیس مذکور تسلیم نماید تا وجه مسروقه را پیدا نمایند و عجالاً دوسه روز استرآباد و اطراف ساکت است. عزت مستدام.

نمره ۴۹

دربا بسرقت دکان حاج علی..... ۵۲ ترک

شب ششم ماه سپتمبر دو نفر بالا ولایتی که در استرآباد حمالی می کردند از پشت کاروانسرای حاج محمدتقی خان توی دکان حاج اکبر قندفروش رفته چهل تومان وجه گرفته می برند. داروغه بازار خبردار شده آدم تعاقب سارق فرستاده، سارق را از زیارت خاصه رود دستگیر نموده آوردند. لاکن تا به حال وجه را بروز نداده است.

درباب فرستادن مأمور برای تعمیر سیم

سالار معزز دو نفر مأمور در بلوک سدن رستاق و استرآباد رستاق فرستاده برای تعمیر خط گنبد قابوس و بندر جز اصله از جنگل گرفته آماده نمایند.

درباب آمدن ترکمانها

روز هفتم ماه مذکور حاتم الله خان قرچی با چند نفر از پیر مردان طایفه خود خدمت نایب الحکومه آمده اظهار بندگی و امنیت طایفه آتابائی رامی نمودند.

درباب گرو کردن ترکمان جعفر بائی را

روز مذکور يك نفر ترکمان جعفر بائی از طایفه قرنجیک به شهر آمده سادات میخچه گرانی در عوض آدم خود بیرون دروازه رفته ترکمان را از دست عباسقلی آقا غلامباشی کارگذاری گرفته به خانه خود می برند. نایب الحکومه چند نفر فراش و توپچی فرستاده در بین راه ترکمان را بگیرند نتوانسته به قرب سیصد نفر اهالی میخچه گران و سرچشمه و سرپیری باتفنگ از دحام نموده هر آینه مأموری برای خلاص ترکمان نیاید دفاع نمایند. بعد از نگاه داشتن ترکمان يك صورت تلگراف جعلی از قول علمای نجف در استرآباد منتشر گردید: هر کس با محمد علی میرزا همراهی نماید و برخلاف مجلس رفتار کند معاینه با امام زمان محاربه کرده است که يك مرتبه استرآباد به هم خورده تماماً در مغربی شهر توی رودخانه خواجه خضر می روند و به قرب دو هزار تیر فشنگ شلیک و خوشحالی می نمایند. بعد به امر آقا شیخ محمد باقر شب را اهالی محل گردش می نمایند. چون راپرت گرو کردن ترکمان را سالار معزز به حکمران تلگراف کرده بود روز هشتم از طرف ایالت تلگرافی توسط سالار به عموم آقایان و تجار شد: در این موقع که تمام بلدان از طرف مراحم ملوکانه کمال امنیت و آسایش را به هم رسانیده است از قرار معلوم استرآبادی دوباره از سر گرفته اند. چون من و شماها اهل يك خاک و هم ولایتی می باشیم حریحاً به شماها می گویم برای حفظ مراتب خودتان حرکات و حشیانه را به کنار بگذارید و الا «نه بر مرده بر زنده باید گریست.» نایب

الحکومه تلگراف را فوراً به جهت امنای انجمن فرستاد ملاحظه نمایند. زمانی که قاسم فراش تلگراف را از منزل آقا شیخ محمد باقر گرفته مراجعت می کند یک نفر سید از فدائیه های آقا شیخ باقر بیرون خانه دست به قداره فراش را تعاقب [کرده] فحش زیادی به دولت و حکومت گفته کمافی السابق مردم به هیجان ۴۲ آمده که دیگر از طرف نایب الحکومه کسی در شب گردش نرفته و فرستادن مأمور بجائی غدغن ۴۲ شد. لکن به عقاید نایب الحکومه و بعضی این فتنه و آشوب به سبب غرض شخصی حاج رحیم خان و ساعدلشکر است که با سالار معزز دارند.

مراجعت مدیر قونسول از ییلاق

روز مذکور مدیر قونسول گری از ییلاق مراجعت به شهر نموده اسباب بنه به واسطه مسافت راه عقب افتاده بعد از مغرب توی خشکه رودخانه تا شهر چندان راهی نیست هشت نفر از ترکمان بارها را گرفته می برند. چون دو نفر قزاق روس همراه بود تراکمه بارها را رها نموده به شهر آمدند.

درباب نزاع نایب اکبر

شب نهم ماه سپتمبر چهار ساعت از شب گذشته نایب اکبر به اتفاق یک نفر فراش به سمت بازار می رود که پانزده تومان قبض به حواله داروغه داشت دریافت ندارد. توی گذر سرچشمه یک نفر حمالی وسط خیابان خوابیده. معزی الید صدا می زند. حمال جواب سخت داده. نایب اکبر برای شلول خالی به قرب دو بیست نفر از اطراف بیرون آمده که او را بگیرند. معزی الیه به خیال فرار چند تیر تنگ هوائی خالی کرده اهالی سرچشمه به سمت او شلیک تنگ، که حاج محمد شعیب رسیده او را می گیرد. اهل گذر با قنناق تنگ در عوض سر حاج مزبور به سر نایب اکبر زده شکافته شده که نایب اکبر را کشان کشان چوب و افری و دوسه زخم قداره به او زده به خانه شیخ محمد باقر بردند. روز مذکور خود نایب اکبر در حضور جمعی در منزل آقا شیخ محمد باقر اعتراف داشت که خلاف کرده است. مقارن ظهر حاج شیخ حسین ساعدلشکر را فرستاده نایب اکبر را از خانه شیخ باقر به منزل نایب الحکومه بردند.

درباب نزاع ملازم سالار اکرم با جلودار قونسولگری روس

شب دهم سپتمبر یک نفر ملازم محمد باقر خان سالار اکرم با عباس فراش مست بوده توی قهوه خانه حاجی حسین آقا بنای بدمستی را و فحاشی را گذارده، علی اکبر جلودار قونسولگری [در] قهوه خانه بوده با آدم سالار نزاع می نماید. آدم سالار با قداره جزئی زخمی به دست او زده، بعد قداره او را، جلودار قونسول گرفته می برد. وقایع را به مدیر قونسول عرض می کند. فوراً قزاق روس را با هشت نفر اجزاء دیگر با تنگ فرستاده امر نمود بروید

به منزل سالار آدم او را بکشید. هر آینه ممانعت نمودند با تفنگ بزید. حسب الامر مدیر قزاقها با گماشتگان قونسولگری ریختند به خانه سالاراکرم. معظم له محض احترام خود يك نفر آدم نزد مدیر فرستاده خواهش می کند که ملازم را صبح خدمت شما خواهم فرستاد حالیه نبرید. مدیر نپذیرفته گماشتگان قونسولگری ملازم سالار را کشیده بردند. شب را در قونسولگری نگاه داشتند صبح به کار گذاری فرستاده مجازات نمودند.

نمره ۳۵۵

۱۸ سپتمبر مطابق ۲۱ شعبان - ۱۹۰۸

درباب احضار امیر مکرم ایالت استرآباد صاحب منصبان را تلگرافخانه

روز یازدهم ماه سپتمبر ایالت سه ساعت به غروب پای تلگراف آمده سالار معزز و کارگذار و اعتصام الممالک و ساعدلشکر و سالاراکرم در تلگرافخانه حاضر شده، بعد امر نمودند هر آینه سوای این پنج نفر کسی باشد از تلگرافخانه بیرون نمایند. چند نفری که بودند عذر ایشان را تلگرافچی خواسته رفتند، تا سه از شب گذشته سؤال و جواب داشتند. من جمله درباب سوارهای استرآبادی سفارش زیادی نموده، در موقع ورود تمام سوارهای ساعدلشکر و حاجی رحیم خان و صمصام لشکر بدون عیب و کسر باید حاضر باشند که سان داده شود. ضمناً برای سرقت وجه غلام پست که متعلق به قونسول روس است سالار معزز از بشیر همایون رئیس پستخانه شکایت کرده بودند. ایالت تلگرافاً حکم نمود که رئیس پست را از پستخانه بیرون نمایند، دخالت نکند تا عوض ایشان وارد شود. مشارالیه چون با اجزاء پستخانه سلوک نداشت لذا واهمه نموده به منزل لشکر نویس پناه برده ایشان حکمی از سالار معزز برای رئیس گرفته که اجزاء بی احترامی به او نکنند. تا چه شود.

درباب سرقت مال از قریه میاندره

ایضاً خبر رسید دزد طایفه جعفر بائی به قریه میان دره سه فرسخی مغربی رفته پنج رأس گاو سرقت نموده بردند.

درباب پنج نفر اسیر علف کش و گرو نمودن ترکمان را

سالار معزز و بعضی گرفتن ترکمان را به تحریک حاج شیخ حسین می دانستند. معظم الیه برای حاجی رحیم خان پیغام داده به هر وسیله که نجات پنج نفر اسیر علف کش امکان دارد مرا از سوءظن سالار معزز و غیره آسوده نمائید. حاجی رحیم خان فوراً ایلغی رآباد و سرداری و نه تومان وجه حق الزحمه به جعفر بائی فرستاده پنج نفر اسیر علف کش را به سرخانکلاه برده چون پسر حاج شیخ حسین و پسر حاجی رحیم خان و برادرش آقا علی خان از خراسان مراجعت می کردند و جمعی از تراکمه ایلغی به اتفاق حاجی رحیم خان در خیرات استقبال رفته بودند، لذا اسرا را با استقبالین وارد شهر نموده به منزل حاج شیخ

حسین برده به واسطه مغایرتی که با سالار معزز درین است بی احترامی شده باشد، و الا به جهت نگاه داشتن ترکمان دو مرتبه اسرای علف کش را تا سه فرسخی آوردند، باز به سفارش حاج رحیم خان مراجعت دادند. خصومت سر کرده های استرآباد باعث بر تاخت و تاز تراکمه می شود، ترکمانی که سادات گرو داشتند دسیزدهم ماه سپتمبر حاجی شیخ حسین به کار گذاری فرستاده باغلامبازی روانه نمودند.

درباب بردن يك نفر اسیر از قریه کلاجان ده يك فرسخی مغربی

ایضاً به تحریک بهرامعلی خان قاجار، توی قلی خوجه طایفه جعفر بائی يك نفر از قریه کلاجان به عنوان گرو اسیر کرده می برد که در موقع ورود حکومت معزی الیه يك بار برنج به ترکمان داده اسیر کلاجانی را برای شرف افتخار خود خدمت ایالت بیاورد که به اسم او تمام شده باشد.

درباب قتل يك نفر بچه پانزده ساله در کماسی

شب هفدهم ماه سپتمبر ترکمان طایفه اتابائی بیرون قریه کماسی که نیم فرسخی شمالی و شرق است رفته اشخاصی که در این فصل برای محافظت شلتوک «شوپا» می روند و هر يك طالار چوبی دارند يك نفر بچه را گرفته هر آینه تفنگ و راندل داشته باشد ببرند. بچه فریاد می زند. ترکمانها او را تیر زده فوت شد.

در مراجعت ده نفر قزاق روس برای حفظ قونسولگری و تعدی

به عیال نصرالله آقا قاجار

قزاقها سه ماه قبل به روسیه رفته بودند، دو روز است مراجعت نموده اند. قزاقخانه که قونسول ولف کنار کوچه شارع بنا نموده سر کوب دوسه باب خانه های مردم است. قزاقها مست شده آنچه چوب و صندلی شکسته در اطاق بوده برای عیال نصرالله آقا می اندازند. مشارالیه نامربوط برای این حرکات به آنها گفته، بعد قزاق باشی پائین آمده می رود به خانه نصرالله آقا که زنها از ترس خانه را بسته بعد از آمدن نصرالله آقا تمام چوبها را گرفته به کار گذاری بردند. رسماً به مدیر در این باب نوشته. بعد از استنطاق مدیر برای قزاق باشی که مرتکب بوده دو ماه حبس معین کرده به روسیه خواهد رفت.

نمره ۳۱۵

درباب اردو انداختن تراکمه جعفر بائی زیر حد کردمحلله و بردن پنبه را

تراکمه جعفر بائی با اهالی کردمحلله اجاجت نموده بقرب دو هزار سوار و پیاده

زیر حدقریه مذکور آمده آلاچیق می زنند. بعد سنگرهای کرده محله را تراکمه گرفته بنای چینن پنبه را می گذارند. اهالی کرده محله نا علاجی از طرف حاج محمد حسین کاغذی برای سالار معزز آورده تراکمه جعفر بائی زیر حدقریه کرده محله که سیاه جو موسوم است اردو انداخته و به قرب دو هزار تومان پنبه رعیت را چیده برده اند. يك عراده توپ و صد قبضه تفنگ و استعداد از سالار معزز خواسته، معظم الیه جواب داده ابدأ شماها حرکت بی قاعده نکنید. من می فرستم خوانین جعفر بائی اشرار را متفرق نمایند.

درباب معزولی لشکر نویس و آمدن موثوق لشکر ۵۶

میرزا مهدی خان و ثوق السلطنه لشکر نویس استرآباد به سبب ندادن سیصد تومان پیشکش به رئیس خود معزول گردیده. میرزا سید علی خان موثوق لشکر به جای او منصوب و حرکت نموده اند.

درباب کلانتری قهار خان و نزاع پسر شیخ حمزه با قزاقها

ایالت استرآباد تلگرافاً کلانتری بلوک اتران توابع را به قهار قلی خان واگذار نموده معزولی الیه چهار نفر قزاق همراه خود گرفته می برد. شیخ ابوالقاسم پسر شیخ حمزه کرده محله که قریه سر محله را از دولت خریداری نموده، قزاقها برای گرفتن قسط مالیاتی به آنجا رفته مطالبه می نمایند. شیخ ابوالقاسم به ایشان فحاشی نموده به رعیت می گوید بزنید. قزاقها با قمه دو نفر رعیت را زخم زده، شیخ مذکور را از سر محله مغلولاً به نوکنده می برند، چوب مفعلمی زده بعد توپ به اسب به سرش کشیده، يك شبانه روز توی طویله می بندند. دو نفر رعیت زخم خورده در شهر به توسط شیخ محمد باقر عارض شده سالار معزز کاغذی به قهار قلی خان نوشته شیخ ابوالقاسم را با قزاقها به شهر بفرستید. ۲۲ ماه سپتمبر قزاقها با مشارالیه وارد شده مقارن غروب در کار گذاری استنطاق نمودند که تقصیر با کیست. ورود شیخ محمد باقر و سالار معزز خلاف شیخ ثابت شده قرار شد برای دادن مالیات دیوان ضامن به نایب الحکومه بدهد. لکن شیخ حمزه برای سوء احترام پسرش تعرض کرده پیاده به سمت زیارت خاصه رود رفتند. تا چه اقتضا کند.

درباب لخت گردن تبعه روس را سوارهای سر خانکلاه

۲۴ ماه مذکور يك نفر ترکمان چاروای خیوقی از شهر به سمت اتابائی می رفت سوارهای حاجی رحیم خان جنب قریه محمد آباد يك فرسخی شمالی ترکمان را لخت کرده به قرب صد تومان مال او را بردند. توسط کار گذاری عارض شده. سالار معزز خدمت حاجی شیخ حسین پیغام داد. بفرمائید اهالی سر خانکلاه اموال ترکمان تبعه روس را مسترد بدارند که اسباب گرفتاری نشود. لکن حاجی رحیم خان بدعهده نگرفته انکار

از این مطلب دارد.

درباب متفرق شدن سوارهای جعفر بائی از گردمحل

۲۶ ماه مذکور خوانین جعفر بائی و اتابائی تماماً به شهر آمده اظهار اطاعت داشتند. سوارهای یاغی که جنب سیاه‌جو زیرحد کرد محلّه اردو داشته متفرق نمودند. سالار هم به ایشان خلعت [داده] و مهربانی نموده رفتند.

درباب عارض شدن میرزا احمد طبیب

میرزا احمد که محل وثوق تمام استرآبادی و طرف میل سالار مقتدر و سالار معزز می‌باشد تظلم می‌نماید، صیغه‌ای به اسم پسرش داشت، اهالی محلّه سرپیر توسط زنی از خانه میرزا احمد مشارالیه‌ها را فراری داده چند شب توی بلوچ به خانه کدخداریحیم نگاه داشته بعد از غلامرضا نام دباغانی او را برده برای خود عقد می‌کند. میرزا احمد بعد از تفحص زیاد عروس خود را به خانه غلامرضا نام پیدا کرده عارض می‌شود. کربلائی ابراهیم داماد غلامرضا را با لیلیا عروس میرزا احمد خدمت سالار برده، از مشارالیه‌ها سؤال نموده حضوراً اعتراف داشته او را به میرزا احمد داده. کربلائی ابراهیم را عوض غلامرضا امر به محبس نمودند.

درباب ورود دو نفر سرتیپ مأمور فوج مازندرانی

غره شهر سیام — ۲۷ سپتمبر، دو نفر سرتیپ که سابقاً برای حرکت افواج مازندرانی مأمور شده بودند فوج هزارجریبی را حرکت داده فوج اشرفی و دودانگه هم در شرف حرکت بوده به استرآباد وارد [و] در منزل محمدباقرخان سالاراکرم وارد شدند.

درباب ورود موثوق لشکر ۵۷

۲۹ ماه مذکور موثوق لشکر به استرآباد وارد شده از راه شاهرود تاکنون به واسطه لشکر نویسی سابق کسی او را ملاقات نکرده موثق السلطنه هم مکاری گرفته این دو روزه عزیمت می‌نمایند.

درباب تلگرافچی گنبد و مأموریت بهساری

به عرض رفته بود مخبرالدوله سه نفر تلگرافچی را از اداره خارج نموده است. در عوض آنها یک نفر ازساری و یک نفر ازسمنان و یک نفر ازسبزوار که تلگرافچی فوق‌العاده در استرآباد بمانند. و آن سه نفر مفضوب از شاهرود مراجعت کرده، در استرآباد بودند. میرزا علی‌خان که گنبد قابوس بود به واسطه پریشانی اولشکر نویسی سابق توسط مهندس الملک توسط نموده حکم شد که بهساری برود. بهسبب قروض و پریشانی پاترده تومان بین صاحب

منصبان دائره... ۵۸ شد که روز دویم اکتبر وجهرا به او رسانیده حرکت نماید.

نمره ۳۳

درباب بردن يك بلوك گوسفند باچوپان

سیم ماه اکتبر خبر رسید تراکمه اتابائی برای ساخلوئی سرخانکلاه و پشم گوسفند يك بلوك گوسفند حاج جعفرخان برادر حاج رحیمخان را باچوپان گرو کرده، بعد از دوروز حق ساخلوئی را گرفته گوسفندرا دادند.

درباب قتل میر محله

سابقاً به عرض رفته بود که يك نفر ترکمان ایلغی را زیر حد نوده آقانظام الدین بدقتل رسانیده بودند. از قرار معلوم مرتکب رعیت میر محله بوده ترکمانها شب توی نسق میر محله آمده يك نفر را تقاص می نمایند.

درباب چپاول گوسفند عثمان کلاه

شب ششم ماه مذکور دزد طایفه ایلغی به قریه عثمان کلاه دو فرسخی شرقی رفته گوسفند رامی برند. محاذی قریه معصوم آباد شوپاگرهای آنجا خبردار شده سر راه می گیرند. چند تیر تفنگ زده تراکمه گوسفندرا واگذار نموده فرار کردند.

سرقت گاو از کریم آباد

ایضاً خبر رسید ترکمان اتابائی پنج رأس گاو کریم آباد نیم فرسخی شمالی را سرقت بردند.

درباب تلگراف محمدعلی شاه

تلگرافی که محمدعلی شاه توسط صدراعظم به ولایات و سرحدات درباب مشروطه کرده بودند و قسمهای غلاظ و شداد تلگراف نموده بودند که من مشروطه داده و می دهم نه اینکه مردمان فضول و مفسد توی کار بوده باشند. تبریز راهم بکلی چشم پوشانیده و خیال مجازات سخت دارند. لکن حاج رحیمخان و ساعدلشکر مردم رامحرک شده، شب دهم ماه اکتبر منزل شیخ محمدباقر اجلاس نموده اکثر ازتجار و کسبه را احضار کرده تلگرافی جواب نوشتند. روز دهم بعد از ظهر مجدداً در مسجد گلشن مجلس منعقد کرده تلگراف را برای مردم قرائت اشتند، به این عنوان خطاب به شاه:

تلگراف مبارك را درباب انعقاد مجلس مشروطه که وعده کریمانه مرحمت شده

بود زیارت نمودیم و انجمن استرآباد مجلس مشروطه تبریز را هم جداً خواهان می‌باشند. بعد تمام آقایان بعضی روی دروآسی و برخی به رضایت سوای حاج سیدظاهر باتجار حرکت کرده، تلگرافخانه رفتند تلگراف را مخایره نمودند.

درباب قتل ترکمان داز دهات ملک

ایضاً خبر رسید یک نفر ترکمان طایفه داز از قریه جعفرآباد ملک آرد حمل به صحرا داشته جنب قریه نوده ملک چهارفرسخی شرقی قتل رسانیده، مال و آرد را می‌برند. لکن تراکمه طایفه داز به‌طور سخت مطالبه خونی ترکمان را از ساعدلشکر می‌نمایند. تاچه شود.

درباب قتل یک نفر در خرابه مسجد و بردن سه اسیر

تقی نام ترکمان طایفه جعفربائی که در حکومت ساعدالدوله یک زن و دختر به تحریک علاءالدوله از نوچمن برده بود، ورود علاءالدوله به کفشگیری اسیر را آوردند. شب دوازدهم اکتبر به همان ترتیب و تحریک سر کرده‌ها تقی نام به قریه خرابه مسجد چهارفرسخی مغربی و جنوبی بالاجعه ۴۹ رفته یک نفر را قتل [و] یک زن و دو بچه را اسیر کرده می‌برد.

درباب قتل ترکمان اتابائی جنب قریه محمدآباد

سیزدهم ماه مذکور اهالی کردمحله پیاده دراتک گردش می‌کردند. یک نفر ترکمان اتابائی یک بار پنبه حمل به شهر داشت. زیر حد قریه محمدآباد یک فرسخی شمالی ترکمان را کشته، تفنگ او را می‌برند.

ایضاً آمدن چند نفر رعیت کردمحله زیر بخشی محلله

قتل منصور ترکمان ارخ که اصلاً بدراق بوده است

شب چهاردهم ماه اکتبر دوازده نفر پیاده از کردمحله بیرون آمده به خیال چاپیدن چند خانوار ترکمان که زیر بخشی ساکنند جنب قریه مذکور رسیده، چهار نفر ترکمان جعفربائی به خیال دزدی به سمت دهات می‌آمدند. ایشان فوراً بسخو کرده، چهار سوار ترکمان را حین رفتن تفنگ می‌زنند. یک نفر سردار آنها مقتول و باقی اسب و تفنگ را واگذار و پیاده فرار می‌نمایند. اهالی کردمحله سر ترکمان را بریده به انضمام دو اسب و دو قبضه تفنگ گرفته رفتند. سالار معزز برای تحقیق علی‌اکبرخان فوجردی را بایک نفر قزاق به کردمحله فرستاده آن اشخاص را بیاورند بدشهر. حاج محمدحسین رئیس مأمورین را جواب کرده مراجعت نمودند.

درباب بردن ترکمان جعفربائی یک بچه را بامال

پانزدهم ماه مذکور تراکمه جعفربائی یک بچه را بامال از سر رودخانه جز هفت فرسخی

مغربی گرفته بردند.

نمره ۳۳۰

درباب چپاول سوارهای قرقچی شتر طائفه خجقرا

هفدهم اکتبر خبر رسید سوارهای موسی خان قرقچی به طایفه خجقورفته صد و هشتاد نفر شتر چپاول کرده آوردند. طایفه خجق شترها را جفتی چهارده تومان خریداری نموده سوارهای یاغی ندادند. صاحبان شتر نا علاج به کمیسیون روس پناه برده دو نفر سوار جکت از طرف کموسر ۶۰ به انزک رفته شترها را به کمیسیون آورده تسلیم صاحبانش نمودند.

درباب چپاول کردن قرقچیا گاو فندرسکرا

ایضاً خبر رسید سوارهای مذکور به لجاجت طایفه خجق که ساخلوی قرای فندرسک می باشند دویست رأس گاو از خان بین چپاول کرده بردند.

درباب ساختن روسها عمارت در گنبد قابوس

نوزدهم ماه مذکور خبر رسید کموسر روسی بناهای چوبی مختصری که در گنبد قابوس داشتند تماماً را برهم زده به طرح جدید جاهای مفصلی از تخته نرات^{۶۱} و اصله های چوب که از جنگل رامیان سابق آورده بودند درست می نمایند.

درباب قتل يك نفر زیر حد عثمان کلاته

ایضاً غلام پست شاهرود به قریه معصوم آباد رفته برای نایب الحکومه خبر داد شخصی را زیر حد قریه عثمان کلاته وصل به امام خدیجه، دو فرسخی شرقی کشته بودند. تا کنون معلوم نشد مقتول اهل کجا بوده است.

درباب ورود صارم الممالک

اسمعیل خان دودانگه که به مأموریت استرآباد با فوج امر شده بود قدری در آمدن تسامح داشته مأمور دولتی حسب الامر شاه ششصد تومان از او جریمه گرفته روز بیستم ماه اکتبر با فوج خود وارد به استرآباد شد.

درباب سرقت شصت رأس گاو شهر را

ایضاً صاحبان گاو خدمت سالار معزز عارض شدند که سارق گاوهای شهر غلامحسین

۶۰ - = کمیسر.

۶۱ - (= نرات).

نام ساکن قریه جعفرآباد نیم فرسخی شمالی می باشد که به دستگیری مشارالیه تراکمه اتابائی برده به پودرادهی روس دو بیست و هشتاد تومان فروخته است. به امر نایب الحکومه مأمور غلامحسین را حاضر کرده چوب مفصلی زده امر به حبس نمودند.

در باب تلگرافات امیر مکرّم به سالار [معزز] شب بیستم ماه اکتبر

ایالت استرآباد چند طرفاً تلگراف به سالار معزز نمودند. یکی برای فرستادن آدمها و بنهرا از راه دریا که فوراً در بندر مال مکاری نمایند. یکی برای ساعد لشکر و حاج رحیم خان که تا ورود این جانب قاتل ترکمان طائفه داز را با قاتل شخص میر محله رعیت حاج امین الضرب دستگیر کرده حبس نمایند، والا غیر از این نمایند ابداً چشم داشت به محبت من نداشته باشند. یکی برای حرکت از آمل به بارفروش و همراه بودن فوج لاریجانی و سوار مخصوص به انضمام سوار خوجه و نند و کرد و ترک عبدالملکی و مأموریت فوج حشمت دامغانی و سوار کوداری بسطامی را. یکی هم تلگراف نموده بودند دو بیست سوار یموت را خبر بدهید حاضر باشند، در صورت لزوم تلگراف می کنم دو بیست سوار ترکمان را به ساری بفرستید. از قراری که شهرت دارد احضار سوار ترکمان را به واسطه از دحام طائفه بایه می باشد که در ساری انجمن نموده اند. تاجه شود.

در باب ورود ایالت استرآباد به بارفروش

شب ۲۳ ماه مذکور خبر رسید ایالت استرآباد از بارفروش حرکت نموده وارد ساری شدند.

در باب چپاول گوسفند و دو نفر زخمی

۲۳ ماه اکتبر... ۶۲ نام جعفر بائی با صد سوار به قریه قلندر محله يك فرسخی مغربی رفته سیصد رأس گوسفند چپاول کرده، دو نفر تیر زده رفتند.

در باب فرستادن سالار معزز برای اسیر

بیست و پنجم اکتبر سالار معزز حاج رحیم خان و ساعد لشکر و صمصام لشکر را به حیدرآباد فرستاده سه نفر اسیر خرابه مسجد را که عرض رفته بود از نفس نام گرفته بیاورند. لکن نتیجه امکس ۶۲ گردیده این سه نفر خوانین با سالار معزز... ۶۴ خصومت می ورزند. در صورتی که نفس نام برای دادن اسیر حاضر شده بود. روز بیست و ششم مراجعت نموده گفتند که اسیر را نمی دهد.

۶۲ - اسم خواننده می شود، شبیه نفس.

۶۳ - دو کلمه ناخوانا. (خوانده شد).

۶۴ - يك کلمه ناخوانا.

نمره ۳۴

درباب ورود بنه ایالت با اجزاء

روز بیست و هشتم ماه اکتبر به قرب هشتادبار اسباب و لوازمات ایالت را با اجزاء وارد به دیوانخانه نمودند.

درباب قتل گاو گله بان میدان

ایضاً مقارن مغرب گاو گله بان میدان بیرون دروازه توی رودخانه خواجه خضر رفته گاوهای عقب مانده را بیاورد. چهار نفر سوار ترکمان اتابائی دوازده رأس گاورا گرفته به صحرا می برند. گاو گله بان با چوب جلو گیری از تراکمه می نماید. ترکمانها ناعلاج شده اورا تفنگ زده کشتند.

درباب سرقت اسب فوجردی

ایضاً خبر رسید دزد طایفه اتابائی دو اسب سوار فوجردی را سرقت کرده بردند.

درباب سرقت گاو از شهر و بلوچ

شب ۲۹ ماه مذکور دزد طایفه ایلغی و قرقچی به شهر آمده دورأس گاو ازخانه حاج میرزا بابامیدانی و هشت رأس از بلوچ وصل به دیوانخانه سرقت کرده بردند.

سرقت مال از سلطان آباد

ایضاً دزد طایفه اتابائی به قریه سلطان آباد دوفرسخی شمال و شرق رفته دورأس مال سوداگر را سرقت نموده بردند.

درباب بردن گاو پیچک محله کتول را

سلخ ماه اکتبر خبر رسید داری خان، خان طایفه داز به تحریک ساعد اشکر صد سوار ترکمان برداشته به کتول می رود. هشتاد رأس گاو از پیچک محله من محالات کتول چپاول کرده بردند.

درباب گوسفندهای زیارتی که بردند

شب غره ماه نوامبر مولا ام ایلغی به اتفاق بیست نفر ترکمان که هفت نفر تراکمه قرقچی بوده در شرقی شهر موسوم به قلعه حسن رفته یک نفر چوپان زیارتی را تیرزده به قرب هزار و پانصد رأس گوسفند چپاول کرده بردند. لکن سیصد رأس بین راه مانده نرفتند.

درباب شکافتن خانه درمیر کریم

ایضاً تراکمه طایفه داز به شهر آمده یک باب خانه در میر کریمی شکافته به قرب سی تومان اجناس سرقت نموده بردند.

درباب ورود ایالت استرآباد - ۳ نوامبر

شب مذکور ایالت وارد به کردمحل چهار فرسخی مغربی گردیده قاتلین و سارقین که سابقاً به عرض رسانیده بود دونفر را دستگیر کرده و دونفر فراراً به شهر آمده مفقود الاثرند. روز سوم به موجب دعوت سالاراکرم هزار جریبی وارد به قریه کفشگیری شده و سرکرده های استرآباد هم بداتفاق سالار معزز کفشگیری خدمت ایالت رسیده به قرب پنجاه نفر خوانین جعفربائی و اتابائی سوار همراه آورده، بعد از صرف نهار سه ساعت به غروب از کفشگیری حرکت نموده، نیم فرسخی مشهور به رودخانه انجرباب ۶۶ یک عراده توپ برای شلیک و امیر پنجه قزاق و سایر صاحب منصبان بایدک کارگذاری و قونسولگری استقبال آمده به احترام زیادی وارد به دیوانخانه گردیدند. لکن شب سوم تراکمه اتابائی به عنوان دزدی به شهر آمده، سادات بنی کریمی... ۶۷ بسخو داشتند. یک نفر ترکمان سارق راتیرزد، تفنگ و لباس او را می برند. زمان ورود ایالت اشتباه شده بود. مقتول سلطان آبادی می باشد. بعد ترکمانها آمده محرمانه نعش را شش تومان از کدخدا اسمعیل خریده بردند.

نمره ۳۵۵

۱۳ نوامبر رفت

درباب تظلم چوپانهای زیارت خاصه رود ۶۸

روز چهارم ماه نوامبر چوپانهای زیارت خاصه رود خدمت ایالت رفته تظلم نمودند دوهزار و پانصد رأس گوسفند ماراطائفه ایلغی به دستگیری مولا ترکمان برده اند. ایالت امر به حاج رحیم خان نمود که البته این دو روزه گوسفندها را از تراکمه ایلغی گرفته بیاورند. تاجه شود.

درباب ورود میرزا سعدالله خان حاکم فندرسک، سالار مقتدر

روز ششم میرزا سعدالله خان سالار مقتدر حاکم فندرسک با شحت سوار و چهار پسرهای خود وارد به استرآباد گردیده، از آن سمت دونفر اسرای خرابه مسجد راتراکمه

۶۶ - انجیراب (گرگان زمین).

۶۷ - دوسه کلمه ناخوانا.

۶۸ - خواسته رود (گرگان زمین).

جعفر بائی آورده تسلیم به مشارالیه کرده خدمت ایالت فرستادند و يك نفر بیچه اسیر را نگاه داشته ندادند.

درباب آمدن داری خان با تراکمه داز

هفتم نوامبر داری جان، خان طایفه داز با جمعی از پیر مردان به شهر آمده يك رأس اسب تقدیمی خود را توسط ساعدلشکر خدمت ایالت برده به قرب پنجاه ثوب سرداری خلعت گرفته رفتند.

درباب احضار خوانین جعفر بائی

طایفه جعفر بائی بواسطه شرارت چندی قبل اطمینان نداشته لذا سالار مقتدر آدم مخصوص خود را فرستاده طائفه یار علی و نور علی تماماً خدمت ایالت بیابند.

درباب سرقت اسب از باغچه بدنه شهر

شب نهم ماه مذکور دزد طایفه اتابائی به شهر آمده يك رأس اسب هادی نام قجر را از توی باغچه کنار بدنه شهر گرفته رفتند. معزی الیه خدمت ایالت عارض، به کربلائی محمدخان داروغه امر شد یاعین اسب یا صد تومان غرامت بدهد. تاجه اقتضا کند.

درباب گوسفندهای زیارتی

حاج رحیم خان حسب الامر ایالت به سرخانکلاه رفته محمدخان ایلغی را نزد مولام ترکمان فرستاده گوسفند بیاورند. مولام پیغام داده به حاج رحیم خان بگوئید يك سال است شالی و پشم گوسفند سرخانکلاه به من نرسیده، هر زمانی که بیست خروار شلتوک با پشم گوسفندها را برای من فرستادید گوسفند زیارتی را می دهم والا آنچه از دست تو برمی آید کوتاهی نکنید.

درباب آمدن خوانین جعفر بائی

طایفه جعفر بائی، یار علی و نور علی تماماً شهر آمده منزل سالار مقتدر وارد شدند. دواسب تقدیمی خود را به توسط سالار مقتدر به دیوانخانه فرستاده از ایالت خلعت گرفته رفتند.

درباب تقدیمی سرگردهای استرآباد

روز دوازدهم نوامبر سالار معزز که حالیه نایب الحکومه می باشد سه رأس اسب تقدیم ایالت نموده، ایضاً سالار مقتدر دواسب ممتاز تقدیم کرده. روز سیزدهم حاج رحیم خان يك رأس اسب ممتاز توسط پسرش حیدرقلی خان برای ایالت تقدیم فرستاده قبول نمودند.

نمره ۳۶

به طهران

درباب سرقت مال از کفشگیری مغربی

چهاردهم ماه نوامبر خبر رسید دزد طایفه جعفربائی به قریه کفشگیری دوفرسخی مغربی رفته دورأس مال، دورأس گاو سرقت نموده بردند.

آمدن ترکمان ایلغی و قرقچی به وکیل آباد

ایضاً هفت نفر ترکمان به قریه وکیل آباد یک فرسخی شرقی آمده سه بار برنج توی آبدنگ گرفته با یک قبضه تفنگ برزنگه می بردند. یک نفر اهل قریه با خبر شده چند تیر تفنگ برای ترکمانها خالی کرده، یک اسب آنها تیر گرفته، سه بار برنج را انداخته فرار کردند.

چپاول تراکمه داز صحرای قرق شش فرسخی شرقی

پانزدهم ماه نوامبر خبر رسید یک تیره طایفه داز بادونفر سوار قرقچی به لجاجت ساعدلشکر که به آنها اعتنائی نداشته در صحرای قرق بسخو نموده سه نفر بسطامی بایک نفر سرخانکلائی دوبار نطف، یک بار قند، یک بار کنجد حمل به شاهرود نموده از دهنه زرین گل می بردند. تراکمه مزبور چهار نفر آدم را با چهار مال گرفته می برند. تراکمه ایلغی به آنها برخورد به واسطه ساخلو بودن شخص سرخانکلائی را گرفته سه نفر بسطامی راسوارهای قرقچی به ترک بردند.

درباب کشیدن افغان^{۶۹} قاضی جعفربائی را قزاقهای روس به امر نایب قونسول

آمدن خوانین جعفربائی به عرض [رفته] بود، افغان قاضی ساکن خوجه نس که از قضات جعفربائی می باشد میهمان سعدالله خان سالار مقتدر بوده، روز شاتردهم همراه سالار معزز به دیوانخانه می رود. روسها به واسطه مطالبه کردن شش هزار مناطخونی یک فرسخی که در ملاکیله کشته بودند مدتی است با کارگذاری مذاکره می نمایند. سپهدار هم در حکومت خود به قونسول سند داده هر قدر از تراکمه جعفربائی طلب دارید خودتان از آنها بگیرید. به این سبب مدیر قونسول پنج نفر قزاق و دو غلام فرستاده، افغان قاضی را زمان مراجعت از دیوانخانه کشیده به قونسولگری برده حبس می نمایند. این خبر به ایالت رسیده فوراً کارگذار را احضار نموده به قونسولگری می فرستد. گرفتن افغان قاضی باعث بر شرارت طایفه جعفربائی می شود. مدیر جواب کارگذار می گوید: اولاً به موجب سند سپهدار افغان قاضی از بستگان حسن خان و حسین خان از طایفه... ۷۰ می باشد. ثانیاً

۶۹ - این اسم به شکل متفاوت (اوقنان - افغان - اوغان) ذکر شده است.

۷۰ - یک کلمه ناخوانا.

به اجازه سفارت من این کار را نموده‌ام. در صورتی که در شوراده سی‌وسه دانه لتکای آنها را دریابیدگی به‌شایک توپ خورد نموده حکومت و کارگذار د راین باب به‌طهران تلگراف نموده‌اند، تاکنون جواب نیامده، تاچه اقتضا کند. ۷۱

تعرض سالار مقتدر برای گرفتن افغان قاضی جعفر بائی

سعدالله خان سالار مقتدر حاکم فندرسک اگرچه به واسطه استعمال تریاک و نشو و نمای در شیرآباد بودن در شهر سخت می‌گذشت لکن گرفتن اوغان قاضی را مدیر قونسول موجب تعرض سالار مقتدر گردیده، روز هیجدهم نوامبر آقاه‌حمدخان سرتیپ را به‌جای خود گذاشته با اجزاء و سوار حرکت به سمت فندرسک نمودند.

اطلاع کارگذار خراسان به رئیس کمیسیون برای ورود جنرال قونسول به گنبد قابوس

کارگذار خراسان به اعتصام‌الممالک^{۷۲} رئیس کمیسیون گنبد قابوس کاغذی نوشته بود که جناب جلالت‌مآب جنرال قونسول مشهد از راه گوکلان به گنبد قابوس و استرآباد عازم است. البته در کمیسیون پذیرائی فوق‌العاده به عمل خواهید آورد. معظم‌الیه تلگرافاً جواب داده چهارماه است برای حقوق خود در استرآباد آمده آنچه کتباً و تلگرافاً با وزارت خارجه سؤال و جواب نمودند ابدأ جوابی نمی‌دهد. به این جهت کسی نیست در کمیسیون پذیرائی نماید.

۷۱ - در موضوع مربوط به این قاضی افغان، میان اسناد مستشارالدوله (صادق صادق) نامهای به دستم آمد که مربوط به دوره‌ای است که مستشارالدوله سمت ریاست کمیسیون سرحدی را برعهده داشت و مدتی در استرآباد بود. این نامه امضاء ندارد و مورخ دوشنبه ۴ محرم ۱۳۳۶ است:

«در عریضه رسمی حضرت وزارت پناهی عرضه داشته‌ام که مطالب را محرمانه حضرت‌عالی به عرض خواهید رسانید. مخاطب مذاکرات قونسول، کارگذار بود که من برای اجرای عدالت از طرف دولت جمهوری و مشروطیه روس مأمور استرآباد شده‌ام. گمان نکنید دولت روس ضعیف شده یا من تغییر مسلک داده‌ام. ترتیبات من همان قسمی است که آن سفر در اینجا بوده‌ام و اشاره به فقره افغان قازی نمود (افغان قازی که یکی از قضات خیلی معتبر ترکمن جعفر بائی است در هزار و سیصد و بیست و هفت که در اینجا مأمور بوده است این قونسول که دال گیلف نام دارد به ادعای طلبی افغان قازی را برده حبس نموده بعد خودش سوار شده به صحرای ترکمان رفته و با کارگذار عصر طرف شده و بی‌احترامیهای فوق‌العاده به کارگذار عمر و افغان قازی نموده است) بعد اظهار نمود که...». (دنباله مطلب به این قضیه مربوط نیست)

۱.۱

۷۲ - این اسم به‌ساده اعتصام‌الممالک هم ذکر شده بود.

نمره ۳۷۵

به طهران و رشت ۱۹۰۸

تلگراف ایالت برای اوغان قاضی

وزارت خارجه در جواب ایالت تلگراف نموده با سفارت روس بدجهت رهانمودن اوغان قاضی مذاکره شد. همین امروزه به گماشته خود اطلاع خواهند داد. لکن با روسها باید مدارا نمود.

درباب گوسفندهای زیارتی

داری خان به گفته ساعدلشکر مولام ترکمان را با دوپست و شصت رأس گوسفند خدمت ایالت آورد. چهار ثوب سردازی، یک طاقه شال ایالت بدها و می دهد.

تقدیمی طایفه اتابائی

ایضاً یک رأس اسب حاتم الله خان قرچی تقدیم نموده یک رأس اسب هم اتابائی برای خانی خوجعلی خان داده که خان اتابائی بوده باشد.

داروغه شدن حیدرقلی خان

ایضاً توسط سالاراکرم داروغه گری طایفه جعفربائی را به حیدرقلی خان مسعودالسلطان واگذار نمودند و کلاتتری کردمحلله و بلوک سدن رستاق به محمدقلی خان سرتیپ مرجوع شد.

درباب سرقت دکان بازار

شب ۲۳ ماه نوامبر سه درب دکان توی کاروانسرای حاج محمدتقی خان شکافته به قرب بیست و پنج تومان قند و چای [و] وجه نقد به سرقت بردند.

درباب آمدن تراکمه جعفربائی برای خلاصی اوغان قاضی

چند نفر از خوانین طایفه نورعلی به شهر آمده دو سه روز ایالت و کارگذاران را معطل می نمایند. مدیر مزبور بیست و سوم نوامبر محرمانه ترکمانها را به قونسولگری برده شش هزار مناط دو ماهه از آنها سند گرفته، دو ساعت بدغروب بدون اطلاع ایالت اوغان قاضی را با ده نفر قزاق روس به سمت جعفربائی روانه نمودند.

درباب تلگراف و شیخ فضل الله با امام جمعه طهران

ایضاً یک تلگراف دستخط محمدعلی شاه برای ایالت و صاحب منصبان که اشخاص مشروطه طلبان در طهران حضور شاه آمده در بوده تمام طبقات و سفراء عرض داشتند

که مردمان ایران وحشینند. انجمنها خلاف شرع و جایز نیست. عموم آنها حضوراً از کار خود اذعان داشته به همین ترتیب شیخ فضل الله با امام جمعه تلگراف به علمای استرآباد نمودند که مشروطه برهم خورد و تبریز هم انتظام گرفته ساکت شدند. اهالی استرآباد به تحریک حاج رحیم خان و ساعدلشکر و ثانیاً اکثری از تجار از ترس خود که میل به مشروطه و آزادی شخصی را طالب بودند در منزل حاج شیخ حسین جمع گردیده قرار دادند که انجمن مشروطه را دایر نمایند. روز بیست و چهارم تمام تجار و کسبه دکان خود را بسته هر کس یک ذرع چلواری کفن به گردن کرده با تفنگ به منزل حاج شیخ حسین رفته از آنجا به صدای یا علی حاج شیخ را حرکت داده به سمت مدرسه حاج محمدتقی خان رفتند. تمام علمای استرآباد را الواطها با تفنگ رفته حاضر کردند. سوای حاج سید طاهر و اهل محله میدان که امضاء به مشروطیت نداشته. بعد واعظی را روی منبر فرستاده اسنادی چندی به شیخ فضل الله و محمدعلی شاه می گوید. در این مابین حاج رحیم خان از طرف ایالت به مدرسه آمده حاج شیخ حسین و شیخ محمدباقر را همراه خود به دیوانخانه برده، ایالت به آنها اظهار داشت که این حرکت و ازدحام شما برای آمدن من است و میل ندارید من یابوی خود را سوار شده می روم. هر آینه برای دایر شدن انجمن است، تبریز به آن سختی ملایم شده و برقرار است. اگر هم با شاه یاغی شده اید بروید تلگرافخانه صریحاً تلگراف نمائید. دونفر آقای مشروطه سه ساعت به غروب مراجعت به مدرسه نموده مردم را متفرق ساخته وعده دو روزه دادند. ایضاً روز ۲۵ حاج محمدشفیع نام فدائی ملت صبح زود مردم سرچشمه را با تفنگ همراه گرفته ریختند توی بازار مجدداً دکانین را بسته رفتند به خانه حاج شیخ حسین که باید امروزه انجمن را باز نمائیم. حاج شیخ روی منبر رفته قدری مردم را دلداری و نصیحت نموده فرمودند بروید مشغول کسب خود باشید. ماها از سلسله علما و سادات حاضریم هر زمانی که به شماها اجحاف و تعدی از طرف ایالت بشود خون خودمان را برای شما داده نمی گذاریم یک موئی از سر شماها کم بشود. لکن کلیه این ازدحام بواسطه گرفتن اوغان قاضی بوده که دولت بی حال است.

درباب کاردزدن سرباز سالارا کرم را

شب ۲۶ سرباز سالارا کرم بیرون آمده آب بیرد. چند نفر الواط خواستند تفنگ را از سرباز بگیرند نداده، با کارد به او زخم زده تا صبح هم به منزل سالار شلیک می کنند، اسباب توهین او شدند.

درباب رفتن سرباز و سوار بیرون دروازه

به سبب کارد زدن سرباز سالارا [را] و شرارت اهالی شهر، ایالت امر نمودند سرباز و سوار از توی شهر خارج شده، دروازه بسطام رفته اردو زدند. عده اردو تخمیناً پانصد می شوند.

درباب ورود سوار خوجهوند

ایضاً صد و پنجاه نفر سوار خوجهوند و پنجاه نفر سوار عبدالملکی وارد شدند.

درباب سرقت اسب از خانه مستوفی

شب بیست و هفتم دزد طایفه ایلغی به شهر آمده دو اسب از خانه میرزا یوسف مستوفی سرقت کرده بردند.

نمره ۳۸

درباب فوت حاج میرزا حسین در نجف

بیست و هفتم ماه نوامبر تلگراف نمودند که حاج میرزا حسین شهیر بهنجل در نجف مرحوم شده، علمای استرآباد در سه نقطه از مساجد بزرگ اسباب ختم فراهم کرده، تا سه روز تعزیه‌داری نمودند.

درباب نزاع ملازم حاج ظهیر الدوله

ایضاً خبر رسید گماشته ایالت مازندران در سارو پاسنگ رفته - قریه کوچکی وصل به اشرف می‌باشد - با رعایای آنجا نزاع سختی می‌نمایند. از قرار معلوم سه نفر قتل شده و سالار مکرم از رعایای مذکور حمایت می‌کند.

درباب سرقت اسب و گاو از محله میدان

شب بیست و نهم ماه نوامبر دزد ترکمان به شهر آمده از محله میدان دو اسب، یک رأس گاو سرقت می‌نماید.

شکافتن خانه پای سرو

ایضاً شب مذکور سه باب خانه در محله پای سرو شکافته و تمام اسباب و زندگانی خانه را سرقت کرده بردند.

درباب شورش استرآباد

سالار علی محمدخان کتولی چون با ساعدلشکر و حاج رحیم‌خان خوب نیست و هنوز خلق متفرق نشده شهرت بود که ایالت حسب الامر محمدعلی شاه خیال دارد حاج شیخ حسین و حاج رحیم‌خان و ساعدلشکر با شیخ محمد را گرفته به طهران بفرستند، سلخ ماه نوامبر صبح زود حاج رحیم‌خان و ساعدلشکر از شهر رفته حاج شیخ حسین هم بد اطراف دهات ایلجاری خبر کرده غره ماه دسمبر به قرب دوهزار نفر ایلجاری باتفنگ در شهر حاضر شده، مسجد جامع جمع بودند و اظهار مشروطه خواهی می‌کردند. آخوند

خراسانی روی منبر رفته چند ناسزا به شاه و مستبد [بن] گفته خیال داشتند دیوانخانه ریخته ذخیره دولت را بچاپند. ایالت استرآباد مضطرب گردیده کارگذار و لشکرنویس سابق را که حالیه وزیر مالیات است برای اصلاح خدمت حاج شیخ حسین می فرستند. حاج رحیم خان حتی به قریب صدوپنجاه نفر ترکمان ایلغی و آتابائی را برای کمک مجلس مشروطه فرستاده شبانه به شهر آمدند. تا اینکه روز دوم ایالت در قراقخانه رفته حاج شیخ حسین هم در آنجا رفته با هم اصلاحی نمودند. امیرمکرم قسمهای غلاظ و شداد خورد که اولاً من خودم مشروطه هستم. ثانیاً بعضی حرفها را گوش نکنید که تماماً دروغ است. حاج شیخ مراجعت کرده ایاجاریها را مرخص نمود. لکن عده انجمن مسجد گلشن را فرش کرده مردم با تفنگ شب و روز در گردش اند و روزها اکثر در مسجد رفته جمعند. عقاید کایه بواسطه تلگراف شیخ فضل الله این غوغا شده.

درباب بردن سرباز سالاراکرم را

شب سوم دسمبر یک نفر سرباز موزیکانچی ابوابجمعی سالاراکرم نصف شب را به خیال حمام از اردو به شهر آمده، چهار نفر ترکمان قرقچی او را نزدیکی خانه حاج سیدظاهر مجتهد گرفته بردند.

نوشتن حاج شیخ حسین به مدیر قونسول برای مالیات و تقه

معظم الیه کاشدی به مدیر قونسول روس نوشتند که شما می دانید ایران مشروطه شده است لهذا به شما اطلاع می دهیم که خدغن نمائید رئیس شیلات مالیات ماهی را من بعد به دولت بدهد. با انجمن قراری در این باب بدهند.

ورود هیجر سانس جنرال قونسول دولت فخمیه - ۴ دسمبر

جناب معظم [اه] با اردوی دوامتی از راه گوکلان به قندرسک و به استرآباد وارد شدند. ورود ایشان امالی استرآباد متوحش شده بودند، که با این جمعیت و سوار به جهت شرارت استرآباد آمده، بته دولتی را حمل به رودخانه کرده بودند.

درباب چپاول ترکمان دهنه قزلق را

روز ششم ماه مذکور چندسوار ترکمان به گرمابدشت رفته مکاری شاهکوئی بعضی گندم و بعضی انگور حمل به استرآباد کرده بودند. ترکمانها یازده رأس الاغ، یک رأس یابوی آنها را گرفته بردند.

درباب قتل داری خان داز

صبح هفتم دسمبر داری خان طایفه داز که خان بوده با دونفر ترکمان چاروا از دهات ملک برنج و آرد گرفته به صحرا می رود. چهارنفر پیاده به تحریک ساعدلشکر زیر

قریه حسین آباد سد فرسخی شرقی شایک تفنگ کرده، پنج تیر گلوله ۷۲ به داری خان وارد شده فوت شد. تا چه اقتضا کند.

دعوت آقا رمضانعلی

ایضاً روز هفتم آقا رمضانعلی تاجر چند نفر مشروطه طلب را بدخانه خود دعوت نهار داشته حبیب الله خان پسر حاج موقر الملک پنج تیره همراه داشته از کمر باز کرده به زمین گذاشته توی اطاق دیگر می رود. حاج رحیم برادر حاج محمدرضا پنج تیره را برداشته تماشا کند. قدری زیر و رو نموده غفلتاً تیر خالی شده از روی ناف آقا محمد تقی تاجر گرفته از پهلویش می گذرد. چون مغزی الیه شکمش گوشت دار بود چندان خطری ندارد. مشغول معالجه می باشند.

درباب آمدن سالار مقتدر

ایالت استرآباد بواسطه اغتشاش و جمعیت مردم در مسجد گلشن مسعود الملک را به فندرسک فرستاده سالار مقتدر را شب نهم ماه دسمبر وارد استرآباد نموده حین ورود کاغذی به اعضای انجمن نوشته اظهار همراهی با ایشان را می نماید. تا چه شود.

درباب سرقت سرباز سالاراکرم

کربلائی محمدخان داروغه بهامر ایالت استرآباد به صحرا رفته سرباز را می آورده ترکمان قرقچی می گوید برادرم را در دهات ملک سه فرسخی شرقی کشتند. تفنگ و اسب او را بردند. صد تومان بدهید سرباز را می دهیم. سالاراکرم لابد شده صد تومان توسط کربلائی محمدخان فرستاده، نهم دسمبر سرباز را آوردند.

نمره ۳۹

درباب شورش سرباز دودانگه

عصر یازدهم دسمبر فوج صارم الممالک به مسجد گلشن رفته بلوا نمودند که دو سال است جیره مواجب ماها نرسیده. اگر مشروطه است حقوق سرباز را رسیدگی نمایند. صارم الممالک خورده. بگیرند به سرباز بدهند. اگر هم دولت نداده چرا سرباز را سرخده حاضر کرده اند.

درباب کشتن آسیابان

شب دوازدهم ماه مذکور چهار نفر ترکمان بیرون دروازه بسطام سر آسیاب رفته آب آسیاب را می اندازند. آسیابان برای افتادن آب بیرون آمده او را به قتل رسانیده

دوبار آرد توی آسیاب گرفته رفتند.

درباب ورود فوج

ایضاً چهارصد نفر سرباز لاریجانی با یک دسته موزیکانچی وارد شده، بیرون دروازه بسطام اردو زدند.

رفتن مشروطه طلبان به اتفاق حاج شیخ به منزل سالار مقتدر

روز دوازدهم دسمبر به قرب دو بیست نفر مشروطه خواه حاج شیخ حسین و شیخ محمد باقر را جلو انداخته به منزل سالار مقتدر می روند. بعد در آنجا خلوت نموده حاج شیخ حسین و شیخ محمد باقر با ده نفر تجار و سالار مقتدر و سالار معزز تا سه ساعت از شب گذشته صحبت می نمایند. صبح سیزدهم سالار مقتدر به سمت فندرسک رفته مطالب شب را که محرمانه داشتند به طور اختصار درک شد: به گفته سالار مردم مشغول به کسب خود بوده باشند و انجمن تجار دایر گردیده و سالار معزز هم از طرف ملت نایب الحکومه باشد. دوازده روزه سالار مقتدر با هزار نفر سوار و پیاده به استرآباد آمده اردوی ملتی را منعقد نمایند. لاکن بعضی می گویند سالار مقتدر محض اسکات مشروطه ها این قرار را گذارده و خیال دارد سالار معزز و ساعدلشکر را احضار نموده رجوعی به اهل شهر نداشته باشند. تا چه اقتضا کند.

درباب آمدن زال خان ۷۳ به مازندران - محمد قلی خان مصباح نظام

ایضاً خبر رسید مأموری از طرف شاه به مازندران آمده موسوم به زال خان برای جنس آنجا که سابق پنجهزار بوده حالا دو تومان تسعیر نموده تسلیم به وزیر مالیات که نصیر الممالک بوده باشد نماید. یکی هم برای عارض شدن عسکر خان عظام الملك صد و ده هزار تومان مطالبه خسرات از لطفعلی خان سالار مکرم کلبادی نموده من جمله برای قتل ملازمان حاج ظهیر الدوله در سارو پاسنگ که مرتکب مصباح نظام بوده از ترس به استرآباد پناه آورده است و سالار مکرم صریح جواب نمود اعتنائی به حکومت مازندران و زال خان ندارد.

سرق دو الاغ و دیگ را

شب چهاردهم دزد ترکمان به محله پای سرو رفته دو رأس الاغ با دیگ چلو را سرقت کرده بردند.

چپاول هیجده قاطر شاهکوئی

صبح پانزدهم دسمبر مکاری شاهکوئی هیجده بار برنج از قرن آباد دوفرسخی شرقی

حمل به شاهرود می‌نماید. نزدیکی صحرای خیرات مشهور به پل‌گردن چندپایاده ترکمان آنها را تفنگ‌زده فراری شدند و قاطرهارا با برنج گرفته بردند.

عروسی امیرمکرم

امیرمکرم ملازمان خود را فرستاده برای او یک‌شبه زنی بیاورند. خاصه تراش ایالت شخصی آسیابانی را دید که دختری داشت. به وعده پول نقد و خریدن خانه، محرمانه دختر را با مادرش به دیوانخانه برده که ایالت رؤیت نماید. بعدرایک‌شبه صیغه نموده که فردا عقد کند و پنجاه تومان نقد بدهد. صبح ده تومان به دختر داده روانه می‌کند به خانه پدرش و دختر مرحوم میرزا مقیم لشکر نویس را خواستگار [ی] نموده دوست تومان وجه داده عقد می‌نماید. شخص آسیابان با عیالش به دیوانخانه رفته شکایاتی کرده، عاقبت الامر ده تومان دیگر داده می‌روند.

رفتن سوارهای خوجهوند

شیخ محمدباقر از طرف ملت سیصدتومان از سوارهای خوجهوند گرفته مرخص نمودند.

فرستادن مدیر قونسول منشی خود را برای ورود آدمیرال بحر خزر ۷۵

روز شانزدهم میرزا جعفر منشی قونسول به کارگذاری آمده از طرف مدیر اظهار داشت آدمیرال ماوراء بحر خزر با صاحب منصبان جزء برای تاجگذاری امپراطور روس از راه خوجه نفس عازمند. روز هیجدهم دسمبر از طرف ایالت پذیرائی فوق العاده لازم است. برای ورود معزی الیه ده نفر قزاق و سی سوار، یک نفر صاحب منصب از جانب حکومت با یدک معین شده استقبال نمایند. از طرف کارگذار هم یدک فرستاده می‌شود.

فوت دریایی روس در عشوراده

ایضاً خبر رسید دریایی روس در عشوراده فوت شده. مدیر به کارگذاری پیغام داده به سرحددار بندر جز تلگراف نمایند که برای تدفین دریایی در بندر احترامات لازمه را به عمل آورند.

نمره ۴۰۵

آمدن کموسر به جعفربائی

معظم الیه با صدسوار جکت و قزاق برای مطالبات اتباع خود جعفربائی آمده به قرب